

نگاه روزنامه نگار

موشک یا مردم مسئله این است؟



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

بایبید تصور کنیم فردی به نام محمدجواد ظریف وجود خارجی ندارد. نه وزیر و دیپلمات بوده، نه اسمش با توافق هسته‌ای گره خورده. امواج دریا یک بطری حاوی کاغذنوشته به ساحل می‌اندازد که همان گزاره موشک مهم است اما مردم مهم‌تر هستند را به ما نشان می‌دهد. این گزاره نتهنها هیچ مشکلی ندارد و ضدامنیت ملی نیست، بلکه اصل و فلسفه امنیت ملی است. هر چند که امنیت ملی تعریف واحدی ندارد، اگر آن را به معنی پاسداری از سرزمین، حاکمیت و مردم و همچنین استفاده از ابزارهای سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی برای تأمین منافع ملی در نظر بگیریم، این حقیقت به درستی خود را نشان می‌دهد که ملت به عنوان صاحبان اصلی حق نسبت به دولت، اولویت‌نخبست هستند و اهمیت بالاتر از ابزار دفاعی و امنیتی دارد. وقتی که مشکلات انباشته در زندگی مردم روز به روز بیشتر شود، موشک هیچ کمکی نمی‌کند. موشک یک ابزار دفاعی است که برای بازدارندگی و مقابله با تهاجم خارجی کاربردی متعارف دارد. این ابزار برای ایران امروز اهمیت زیادی دارد چون که به دلایل مختلف و فرسوده شدن توانایی نظامی در حوزه‌های دیگر به خصوص حوزه هوایی، تبدیل به تنها ابزار استراتژیک ایران برای دفاع از خود و ضربه به خاک حریف شده است. آن توان هوایی که اسرائیل برای ضربه زدن به ایران و دیگر کشورها در جریان دوسال گذشته پس از ۷ اکتبر استفاده کرد، در ایران وجود ندارد. در چنین شرایطی نیز هیچ عقل سلیمی نمی‌گوید اسلحه خود را زمین بگذارید. اصلاً دوگانه موشک و مردم معنی ندارد. عقل سلیم می‌گوید سیاست پیشه کنید و متوجه این حقیقت باشید که مسائل مختلف مانند اقتصاد، سیاست خارجی، رفاه مردم و ... باید به صورت متوازن در مرکز توجه باشند. نه این که با گذر سال‌ها و در نتیجه برخی سیاست‌ها، دست طرف مقابل برای تهدیدنمایی ابزار دفاعی کشور ماباز شود و بتواند بر آن مانور دهد. در کنار این عوامل، شرایط نیز به شکلی در داخل کشور پیش برود که حتی چنین دوگانه‌ای بین مردم و ابزار دفاعی، محلی از اعراب پیدا کند. از خودمان بپرسیم چرا موشک‌های پاکستان یا هند چنین بحث‌هایی به دنبال نمی‌آورند؟ آنچه برای ایران به وجود آمده، محصول مجموعه‌ای از وقایع، اظهارات، برد و باخت‌ها و تصمیم‌های درست و نادرست طی سال‌های متعددی است نه وقایع یک سال و پنج سال گذشته. نقطه اصلی این پرونده هاینز متغیر منطقه‌ای بوده و هست. ماینز به صورت کلان در این تهدیدنمایی و امنیتی‌سازی دخیل هستیم و موافعی به صورت ناخواسته در پازل آن‌ها حاضر شدیم. بنابراین نکته اصلی صحبت ظریف، روبه‌رو شدن با واقعیت‌ها، توجه به امکانات و دوری از تکیه صرف بر آرزوهاست. چرا مردم از موشک مهم‌تر هستند؟ تاریخ به ما می‌گوید اتحاد جماهیر شوروی به عنوان ابر قدرت شرق، توان موشکی خارق‌العاده‌ای در اختیار داشت و تنها کشوری بود که توان نظامی‌اش با آمریکا به عنوان سردمدار غرب برابری می‌کرد. اما موشک‌های شوروی همه چیز نبودند و زمانی که دسامبر ۱۹۹۱ رسید، موشک‌ها نتوانستند جلوی از بین رفتن شوروی را بگیرند. چین سلاح هسته‌ای خود را در ۱۹۶۴ تست کرد و اولین پرتاب آزمایشی موشک قاره‌پیمای خود را در سال ۱۹۸۰ انجام داد. احتمالاً آن‌ها هم همان زمان متوجه شدند که باید با سیاست درهای باز، جلوی فروغلتیدن در ورطه بحران همه‌جانبه را بگیرند. شاید چین هم اگر همان مسیر پیشین را دنبال می‌کرد، زمانی به خود می‌آمد و می‌دید که با جای پای اتحاد شوروی گذاشته است. عنصر زمان و تصمیم‌گیری‌های به موقع در این امور بسیار تأثیرگذار هستند. نکته آنکه صحبت‌های ظریف ابعاد دیگری هم داشت. مانند اینکه باید با فساد در داخل کشور مقابله کرد. قطعاً موضوعی مثل فساد جای دیش، گم شدن دکل نفتی و ده‌ها واقعه دیگری که از یک طرف به اقتصاد کشور ضربه زدند و از طرف دیگر ذره ذره اعتماد مردم را تحت تأثیر قرار دادند، ارتباطی به تحریم‌های شورای امنیت، قطعنامه‌های فصل هفت و مانند آن ندارد. موضوعاتی داخلی هستند. اما موضوعاتی که با زندگی مردم ارتباطی مستقیم دارد. توجه به مردم و اهمیت بالاتر آن نسبت به ابزار دفاعی هم صرفاً محدود به معیشت ما نیست. مصالح ملت ایران باید در هر تصمیم‌گیری، نخستین مؤلفه تصمیم‌گیری باشد. توجه به این نکته مهم است که پس از جنگ ۱۲ روزه، مقامات ارشد از سران قوا تا کارشناسان و صاحب‌نظران به این موضوع اذعان داشتند که بخشی از طراحی اسرائیل مبتنی بر بازی مردم در سناریوی آن‌ها بود. به این معنی که برای به ثمر نشستن طرح عملیاتی خود، روی نارضایتی مردم حساب ویژه‌ای باز کردند. اما این اتفاق با آگاهی مردم ایران رخ نداد. شاید با گذر زمان این آگاهی به حساب برخی مسائل دیگر گذاشته می‌شود اما این حقیقت را از بین نمی‌برد که مردم یعنی تمام مردم نه آن‌هایی که فقط من و شما مردم می‌دانیم، مهم‌ترین مؤلفه قدرت ایران هستند. پس باید به مردم توجه کرد و این اصل اصلاح‌طلب و اصولگرا نمی‌شناسد.

که اگر به درستی مدیریت نشود، احتمال دارد که وارد یک جنگ دیگر هم بشویم.» او ادامه داد: «ما در خاور میانه شاهد تغییرات و چپش یک صحنه جدید هستیم و آن نیز اتفاقی است که در خصوص بحران غزه و پایان آن جنگ رخ داد. بعد از آنچه از سوی حماس به دنبال تبادل نظر با طرف‌های دیگر اتفاق افتاد، با توجه به این تحولات با اهمیت به نظر می‌رسد که باید در مشارکت‌ها، اظهار نظر‌ها و گفت‌وگوها دقت لازم را داشته باشیم که تمام زحمات‌های کشیده‌شده در منطقه از بین نرود یا وضعیت صرفاً به نفع دشمنان و رقیبای ما تغییر نکند. ما در این منطقه حضور بسیاری داشتیم، اشتباهاتی هم مرتکب شدیم و صحنه هم به شکلی بود که تحولات خیلی به نفع ما پیش نرفت. اما زمانی که محاسبات حماس را می‌بینیم که راضی شد با دشمن یا دشمنان خود به صلح برسد و یک جنگ دوساله و به نحوی یک منازعه ۸۰ ساله را با تمام مشکلات به نقطه‌ای برساند، متوجه می‌شویم که از طریق دیپلماسی هوشمندانه می‌توانیم منافع ملی و مردم خودمان را حفظ کنیم. در این میان عده‌ای ظاهراً راه خود را انتخاب کردند که ادامه تنش و جنگ است. آنچه من از صحبت‌های ظریف استنباط می‌کنم، این است که باید از ابزارهای خود برای جلوگیری از بروز این شرایط استفاده کنیم.» این دیپلمات پیشین درباره دوگانه موشک و معیشت که تلاش زیادی برای استخراج آن از صحبت‌های ظریف صورت گرفت نیز گفت: «آنچه من در طول زمان از مواضع آقای ظریف دریافت کردم، این است که طبیعتاً در اختیار داشتن سلاح متعارف برای دفاع از خود در منطقه پرتلاطم خاور میانه را حتماً برای کشور ضروری می‌دانند. نه ظریف و نه هیچ آدم عاقل دیگری در این خصوص تردید ندارد که سلاح نداشته باشیم و صرفاً به عنوان اخلاق خوب در دنیا جلو برویم. چنین چیزی در قاموس دنیا وجود ندارد. در مورد مسئله هسته‌ای هم که در این صحبت‌ها به آن اشاره شد و جای خاصی هم در حملات دارد هم باید بگویم که ما غنی‌سازی خود را از دنیا گرفتیم اما اتفاقاتی رخ داد که در نهایت به این نقطه رسیدیم و طرف مقابل می‌گوید نباید غنی‌سازی داشته باشید. فکر می‌کنم با استفاده از ابزار دیپلماسی می‌توان این حق را زنده کرد و از طریق مکانیسم‌های موجود اطمینان طرف مقابل را جلب کرد. باید به این نکته توجه کنید که موضوع ایران هسته‌ای نیست. آقای ظریف و کارشناسان دیگر به این موضوع اشاره کردند که موضوع قطعنامه‌های دوران آقای احمدی‌نژاد به بهانه هسته‌ای صادر شد اما علت اصلی آن، برانگیختن حساسیت قدرت‌های دنیا با طرح مسائلی مثل نفی هولوکاست و آن دست صحبت‌ها بود. لذا باید به این توجه کنیم که موضع‌گیری‌های ما در مورد مسائل خارجی و به خصوص مواردی که ارتباطی به ما ندارد، خود یکی از عوامل مضری هستند که منجر به ایجاد وضعیت فعلی ما شده است.» رحیم‌پور تأکید کرد: «بنابراین هیچ‌کس نمی‌گوید نباید موشک داشته باشیم. ظریف هم می‌داند و می‌گوید که اگر همین توانایی حداقلی موشکی را در اختیار نداشتیم، با حملات اسرائیل باید تسلیم می‌شدیم یا تخریب کامل کشورمان را به چشم می‌دیدیم. مسئله رفاه مردم و معیشت آن‌ها نیز اولویت اصلی کشور است که باید کنار موشک یا هر سلاح دیگری و روزمندگانی که می‌جنگند، باید وجود داشته باشد. اگر نه، در مسیر به موانعی می‌خوریم که ممکن است مردم خود ما حمایت کاملی نشان ندهند. در شرایط فعلی که هنوز خطر جنگ وجود دارد، طبیعی است که باید با هوشمندی بالا، کار مذاکرات و حضور خود را جدی بگیریم و جلو ببریم. در همین حال بعضی دوستان خوش فکر می‌گویند چرا ما به شرم‌الشیخ نیستیم و یک حضور نمادین نداریم؟ چرا ثابت نمی‌کنیم که مثل بیانیه منتشرشده وزارت امور خارجه - که خیلی خوب بود - موافق این هستیم که تنش در خاور میانه از بین برود؟»

➤ ظریف تاوان شکست جلیلی را پس می‌دهد

غلامعلی رجایی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب نیز درباره انگیزه و پشت صحنه این حملات به هم‌میهن گفت: «ظریف در صدر لیست حمله‌تندروها و جریان‌پایداری قرار دارد. در واقع حالا حالا‌ها با او کار دارند و به این قانع نیستند که او را از دولت بیرون انداختند. اتفاقی که متأسفانه آقای پزشکیان هم در مقابل آن تسلیم شد در حالی که می‌توانست با رهبری رایزنی و مشورت کند و اجازه حضور او را بگیرد. ظریف در جریان انتخابات گذشته دولت‌سازی کرد و تاوان این کار را به پایداری و امثال روزنامه میدان توپخانه پس می‌دهد. هم او و هم حسن روحانی به خاطر تأثیراتی که می‌توانند در مسائل امروز و آینده داشته باشند، سبیل آن‌ها هستند.» او ادامه داد: «دولتی که بر سر کار آمد، جلوی ورود آن‌ها به پاستور را گرفت. آقای جلیلی در انتخابات ۱۴۰۲ برای چندمین بار شکست خورد؟ این موضوع فراموش نمی‌شود. اینکه می‌گویم تحلیل نیست بلکه خبر است که آن‌ها می‌خواهند دوره حضور پزشکیان در پاستور، دوره اول و آخر او باشد. حسن روحانی را هم به دلایل دیگر حذف کردند، از خبرنگار کنار گذاشتند و مسائل دیگر. این افراط و تفریط‌هایشان هم به جایی نمی‌رسد. همین‌ها یک روز ظریف و صالحی و دیگران را در مجلس تهدید می‌کردند که شما را در فالن راکتور دفن می‌کنیم و رویتان سیمان می‌ریزیم، گفتند ظریف به رهبری دروغ گفته در حالی که رهبری متدین بودن ظریف را استوده است.» رجایی تأکید کرد: «دوره‌ای آقای هاشمی سبیل آن‌ها بود. از ۱۸ نقطه به هاشمی حمله می‌کردند که احمدی‌نژاد فقط یکی از آن‌ها بود و بعد خودش فehmید به ابزاری برای نشان تبدیل شده. موفق هم نشدند. زمانی دنبال تخریب خاتمی بودند با خبرهای جعلی مثل قصه ملاقات با جرج سوروس و مانند آن که هیچ وقت اسنادشان را هم نشان هیچ کس ندادند. الان هم که دوره ظریف و یک پله پایین‌تر روحانی است. ظریف هم باید تحمل کند. یک روز می‌گویند محاکمه‌اش کنید، یک روز می‌گویند سکه‌ها را پس بده. بازی بیهوده‌ای است و در این شرایط هم کسی از ظریف‌انطور که باید دفاع نمی‌کند. آقای پزشکیان هم خطای فاحشی کرد که پشت ظریف را خالی کرد. هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که ظریف نقش محوری در ریاست جمهوری پزشکیان داشت. آن جایی که می‌توانست خودش می‌رفت و آنجایی که نمی‌توانست یعنی توان بدنی آن حجم از دوندگی‌ها اجازه نمی‌داد، پیام می‌فرستاد و سعی می‌کرد به نتیجه برسد. با آنچه رخ داد و ناسپاسی که اتفاق افتاد هم بعید می‌دانم که دیگر آقای ظریف در این موضوع و دولت‌سازی ورود کند. توصیه من به ایشان این است که تحمل کنند و کمتر پاسخ بدهند. چه کسی باور می‌کند ظریف بر جام را انخوانده است؟ صحبت‌هایی که می‌کنند خنده‌دار است.» این فعال سیاسی اصلاح‌طلب با تأکید مجدد بر اهمیت انتخابات ۱۴۰۳، ادامه داد: «موضوع شکست آقای جلیلی و ناگامی آن‌ها برای حفظ پاستور موضوع کمی نیست که به راحتی فراموش شود. اما توصیه‌ام به دولتیسان این است که به جای ساختن این روایت‌های غیرواقعی، خودشان را اثبات کنند و بدون زدن امثال ظریف بگویند چ‌می‌خواهند مثلاً برای همین موضوع معیشت مردم چه می‌کنند.»



جمال رحمتی



در حاشیه توهین معاون وزیر بهداشت به یک خبرنگار

تو یکی حق نداری سوال کنی!
می‌خوام در مورد هفته سلامت روان حرف بزنم! فهمیدی یا نه؟



عکس نوشت

نمایش اثر هنری آداب دارد

درباره عکسی از حاشیه نمایشگاه ویتنام؛ زیبایی و نشاط جاودانه که شهرداری تهران برگزار کرده

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

تصویری که می‌بینید در حاشیه افتتاح نمایشگاه «ویتنام؛ زیبایی و نشاط جاودانه» که این روزها در ایستگاه مترو تجریش برقرار است گرفته‌شده. ظاهر این نمایشگاه با هدف گسترش تعاملات فرهنگی و هنری میان ایران و ویتنام برگزار شده است. نکته اما اینکه از روی همین عکس و باقی فریم‌های گزارش تصویری مشخص است که نه‌تنها نشاطی حاصل نشده که اتفاقاً حلقه مفقوده این نمایشگاه تعامل فرهنگی است. واقعیت اینکه برگزاری نمایشگاه هنری به این سادگی‌ها که مدیران شهری تصور می‌کنند نیست. برپایی هر نمایشگاه آداب خاص خودش را دارد. اصلاً نمایشگاه برگزار کردن «کیوریتور» می‌خواهد. کسی که بالا و پایین کار را بداند. کسی که راه گردآوری، انتخاب، سازمان‌دهی و مهم‌تر از همه ارائه‌ی آثار را بفهمد. این یعنی نفر باید باشد که اگر قرار است سازمان و ارگانی اثر هنری را به دیوار بکوبد دل‌لیش را بداند، مخاطبش را بشناسد و یک پله بالاتر زیبایی‌شناسی بداند. احتمالاً خواننده این ستون از این دست نمایشگاه‌ها در فضاهای شهری بسیار دیده است. متأسفانه در این سال‌ها مدیران شهرداری به عکس تنها به شکل یک آیچکت تزئینی دیوار پرکن و کار راه‌انداز نگاه کرده‌اند. این گزاره به این معناست که مدیران شهری هر جا که دیوار خالی پیدا کرده‌اند و خواسته‌اند سریع به نتیجه برسند؛ چهارتا عکس را فراخوانده‌اند و از نوب آرشپوشان به شکل گتره‌ای و اللهیختکی مقدار معتدله‌یی عکس را شاسی کرده و به دیوار چسبانده‌اند. حقیقت اما این است که مردم اللهیختکی به چیزی توجه نمی‌کنند. مردم وقتی به سمت اثر هنری کشیده می‌شوند که میان خود و اثر پیوندی عاطفی، فکری یا فرهنگی پیدا کنند. درست است که زیبایی، رنگ، فرم و هارمونی لازمه یک اثر هنری است، اما معنا است که مخاطب را نسبت به اثر حساس می‌کند. معنایی که قبل از اینکه فهم شود اول باید دیده شود.

